



کارگران جهان متحد شوید !

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - شماره ۲۲۹ فروردین ۱۴۰۳



سنگرهای دشمن در حال فتح است

فعالین داخل کشور

در صفحه ۱۲

سال جدید، فصلی نوین در مبارزات

فعالین داخل کشور

در صفحه ۸

ادامه در صفحه

چند سؤال از رفیق ل - ساوالان در باره انتخابات شهرداریهای ترکیه

در صفحه ۳

پاسخی مختصر به چند پرسش دریافتی در باره جنگ در اکراین

در صفحه ۹

تشدید بحران اقتصادی ، خطر جنگ و تدارک اول ماه مه 1403

در صفحه آخر

سرمقاله شبح جنگی ارتجاعی و گسترده بر فراز منطقه

سرانجام دولت صهیونیستی اسرائیل که در گرداب جنگ غزه گرفتار آمده است، با حمله به کنسولگری ایران در دمشق، پایتخت سوریه ، جمهوری اسلامی را که خود نیز گرفتار بحرانهای داخلی است به رویارویی مستقیم با خود کشاند. بعد از حمله اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی و رجزخوانی طرفین علیه همدیگر، در فضائی مملو از ترس و اضطراب سرانجام بامداد روز بیست و ششم فروردین با حمله موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی به اسرائیل این رویارویی وارد فاز جدیدی شد و در صورت حمله متقابل اسرائیل به ایران وضعیت فاجعه باری در ایران و منطقه به وجود خواهد آمد.

دولت نژادپرست اسرائیل با گذشت بیش از شش ماه از آغاز جنگ غزه و برغم ادعای دارا بودن مجهزترین ارتش جهان و سازمانهای امنیتی و جاسوسی گسترده و دارای حمایت مالی، تسلیحاتی و لجستیکی بی دریغ آمریکا و کشورهای قدرتمند غربی جز ایزوله شدن بیشتر در این شش ماه جنایات بی شمار و نسل کشی از مردم فلسطین و محکومیت در افکار عمومی جهان هنوز نتوانسته است به اهداف خود دست یابد. و این جنگ نیز جز ضررهای سنگین اقتصادی و بهم خوردن نقشه های ژئوپلیتیک آن و متحدان اش در منطقه و تشدید بحران داخلی و گسترش اعتراضات عمومی، نتیجه ای ببار نیاورده است . دولتی در بحران و ورشکسته و نژادپرست با رهبری جنایتکاری نظیر ناتانیاهو که به دزدی و فساد شهره است برای برون رفت از بن بستی که در غزه گرفتار آن شده است چاره را در گسترش دامنه جنگ و کشاندن مستقیم پای جمهوری اسلامی به آن دیده است. دولت اسرائیل با حمله به کنسولگری ایران در سوریه و تحریک جمهوری اسلامی به حمله مستقیم به اسرائیل و متعاقباً کشاندن آمریکا و سایر متحدین اش به جنگ برآن است تا بتواند افکار عمومی را از فجایعی که در غزه ببار آورده منحرف کند و فریاد اعتراضات عمومی در سراسر جهان

ادامه در صفحه 2

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

شبح جنگی ارتجاعی و گسترده بر فراز منطقه

ادامه از صفحه

... به نسل کشی در غزه را خاموش سازد و این بار با مظلوم نمائی نقشه های پلید خود در فلسطین را دنبال کند.

از طرفی برای جمهوری اسلامی نیز که در تله بحران‌های اقتصادی و نارضایتی عمومی و گسترش اعتراضات اجتماعی و از دست دادن کامل مشروعیت خود در داخل گیر افتاده است، جنگ "نعمتی الهی است" تا به بهانه آن با سرکوب جنبش‌های اجتماعی چند صبحی دیگر به حیات خود ادامه دهد. بی‌جهت نیست که هم‌زمان با حملات موشکی به اسرائیل که جامعه در ترس و اضطراب به سر می‌برد و افکار عمومی متمرکز نتایج این درگیری است، فرمان تشدید سرکوب کارگران و

زحمتکشان معترض و زنان را صادر می‌کند و ماشین‌های ارشاد و دسته‌های نهی از منکر نعره زنان خیابان‌ها را قرق می‌کنند تا هر آنچه که مردم به‌ویژه زنان بعد از خیزش زن - زندگی - آزادی بدست آورده بودند، پس بگیرند.

در صورت حملات تلافی جویانه رژیم صهیونیستی اسرائیل به ایران که محتمل است، گسترش جنگ و کشتار در منطقه و بویژه ایران را در پی خواهد داشت. جنگی که فاجعه‌ای جبران ناپذیر ببار خواهد آورد و تنها مافیای قدرت و ثروت و کشورهای امپریالیستی برای تامین منافع استراتژیک خود در منطقه و رقابت‌های ژئوپلیتیک در جهان از آن سود خواهند برد و کشتار و ویرانی و آوارگی و دریدری نصیب توده‌های زحمتکش مردم خواهد شد.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست که از منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم دفاع می‌کند، براین باور است که در شرایط حساس کنونی که شبهه جنگ بر سر کشور ما و سراسر

منطقه در حال پرواز است. ضروری است ضمن پشتیبانی از حقوق فلسطینی‌ها و مبارزه آنها برای بدست گرفتن سرنوشت خود و محکوم کردن نسل‌کشی. دولت صهیونیستی اسرائیل در غزه، همراه با سایر نیروهای انقلابی و مترقی ضد جنگ‌های ارتجاعی و امپریالیستی در سراسر جهان، خواهان توقف نسل‌کشی. در غزه و توقف گسترش جنگ بشویم. در عین حال بر این باوریم صلح نهائی و پایدار در منطقه تنها زمانی میسر خواهد شد که دول مرتجع حاکم در منطقه از جمله دولت‌های مذهبی و سرمایه‌داری ایران و اسرائیل به همت طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش مردم به زیر کشیده شوند و دست قدرت‌های امپریالیستی از دخالت در امور مردم این منطقه قطع شود.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
26 فروردین ماه



گورهای دسته جمعی جدید کشف شده در بیمارستان الشیفه بعد از عقبنشینی ارتش اسرائیل
عکس از خبرگزاری الجزیره

ساوالان : ما نباید از این واقعیت غافل شویم که نامزدهای شهرداری که توسط حزب اصلی اپوزیسیون، CHP، در بسیاری از جاهایی که پیروز شدند، کاندیداهای مرتجع، جناح راست و ضد کرد بودند، حتی بیشتر از نامزدهای حزب عدالت و توسعه.

در کردستان تقریباً برای همه شهرداری ها معتمد تعیین شد و شهرداران و اعضای حزب دستگیر شدند. اما جنبش خلق کرد با وجود همه فشارها سازماندهی خود را در سطح معینی حفظ کرد و با به دست آوردن مجدد تمامی شهرداری ها در این انتخابات، موضعی شدیدی در برابر سیاست های دولت اتخاذ کرد. به همین ترتیب، پس از این انتخابات، دولت تلاش کرد تا شهرداری وان را به تصاحب خود در آورد، اما در مواجهه با مبارزات خیابانی، انعکاسی و قوی خلق کرد مجبور به عقب نشینی شد.

چند سؤال از رفیق ل - ساوالان

در باره انتخابات شهرداری های ترکیه

حزب اردوغان را در چه می بینید ؟

ساوالان : نتایج انتخابات نشان می دهد که حزب عدالت و توسعه به میزان قابل توجهی با شکست انتخاباتی مواجه شده. باید گفت که عامل اصلی این نزول وضعیت اقتصادی کشور است. از سوی دیگر، سازماندهی، عزم و اراده خلق کرد که یکی از مهم ترین عوامل عقب نشینی حزب عدالت و توسعه است. با این حال، اشتباه است که این نتایج را یک پیروزی توصیف کنیم. حزب عدالت و توسعه در حال شکست است، اما نمی توان گفت که پیشرفت اجتماعی به معنای جامعه شناختی وجود دارد.

سؤال: در اوضاع کنونی انتخابات شهرداری های ترکیه چه پیامی را در بردارد ؟
ساوالان : انتخابات شهرداری در ترکیه یا به طور کلی انتخابات را باید ابزاری برای برقراری ارتباط با توده ها در فرآیند انتخابات و معرفی توده ها به سیاست انقلابی، حتی اگر بر پایه های اشتباه باشد، در نظر گرفت. باید در نظر داشت که در این زمینه مهم است، به جای اینکه چه کسی برنده چند شهرداری می شود، باید نبض و نگرش طبقه کارگر و توده ها را به دقت دنبال کرد.

سؤال : نتایج انتخابات تا این لحظه نشان از شکست نمایندگان حزب عدالت و توسعه در برخی از شهرهای بزرگ دارد . نتایج انتخابات را چگونه و شکست نمایندگان

سؤال : آیا با شکست حزب حاکم تحولات دموکراتیکی در راه است و در این میان اوضاع و آراء کردها از چه قرار است ؟

OVERALL TOTAL		
MAYORALTY	PROVINCIAL COUNCIL	
PARTIES	METRO.	PROV. DIST.
37.77% 17,391,548	14	21 337
35.49% 16,339,771	12	12 356
6.19% 2,851,784	1	1 39
5.70% 2,625,588	3	7 65
4.99% 2,297,662	0	8 122
3.77% 1,735,924	0	1 24
1.74% 800,905	0	0 0
1.09% 503,210	0	0 1
0.55% 253,648		



PROVINCE BY PROVINCE ELECTION RESULTS

MUNICIPAL ELECTION RESULTS

PROVINCIAL COUNCIL ELECTION RESULTS



AK PARTY CHP MHP İP DEM

*According to municipal election results across Türkiye

ABBREVIATION : **DEM PARTİ**
PARTY LEADER : **Tülay Hatimoğulları Oruç, Tuncer Bakırhan**
FOUNDATION DATE : **30/11/2012**

DEM PARTİ TÜRKİYE OVERALL VOTE PERCENTAGE

5.70%

Number of Metropolitan Municipalities Won	Number of Provinces Won	Number of Districts Won	Number of Towns Won
3	7	65	10

کولبران در میانه دو تیغ

در تیغه کوهها و راه های لغزنده دره ها که زمستانها بکلی یخ می بندند تعادل خود را از دست داده به ته دره سقوط کرده اند و گاه به تکه پاره ها و بازمانده های لباس و مسائل شخصی. برمی خوری که یادگاری است از انسان کولبری ک با هزاران آرزو بار بر دوش از بالای دره سقوط کرده و جان باخته است.

عروسی خون

یادم می آید سالها قبل یکی از همین کولبرهای پیر و ازکار افتاده تعریف می کرد: جوانی به دلیل فقر و ناداری و کمک به مادر پی سرپرست اش از ادامه تحصیل باز میماند و بعد از تلاش های بی ثمر برای یافتن

بردن بار سنگین فردا را تأمین بکند، مجبور به کولبری در کوه های صعب العبور مناطقی نظیر کردستان و سیستان و بلوچستان هستند. کار کولبری تابستان زمستان و شب و روز نمی شناسد خطر یخ زدن در میانه راه



عکس از سایت کولبر نیوز

کار به کولبری روی می آورد. او چند سالی در این کار جان میکند تا مخارج خود و مادر و خواهر تنهایش را تأمین کند. او از خطرات این کار آگاه بود و مثل بقیه کولبران و خانواده هایشان میدانست که وقتی کول را به دوش می کشند و راه میافتند بازگشت سالم یک آرزوست که در زیر بار سنگینی که حمل می کنی، لحظه ای ولت نمی کند و بارها شاهد و ناظر تیر خوردن و یا سقوط از بلندی و یخ زدن و جان باختن همکاران خوداش بوده است. دیگر مشاهده این صحنه ها هر چند که دردآور سنگین تراز باری بود که بر دوش می کشید ولی تقریباً شنیدن و یا دیدن این حوادث برای اش عادی شده بود و این احساس هرگز ول اش نمی کرد که روزی و یاشبی دیگر ممکن است این خود او باشد که جسدش را به مادر و خواهر چشم انتظارش تحویل می دهند و بعد به فکر فرو می رفت که اگر اتفاقی برای من بیفتند چه سرنوشتی در انتظار آنها خواهد بود؟ اما با وجود اینها چاره ای جز ادامه دادن به این کار شاق و طاقت فرسا و خطرناک نمی دید.

سقوط به دره های عمیق، کشته و زخمی شدن به وسیله مرزبانان و جان دادن زیر بارهای سنگینی که گاه دو برابر قد شان است و گم و گور شدن در میان برفها از وقایع روزمره به شمار میرود و بار را که بر میداری و راه میافتی هیچ تضمینی نیست که سالم بازگردی.

براساس آخرین گزارش های سازمان های حقوق بشری کردستان، در ۱۲ سال منتهی به پایان سال ۱۴۰۱، دست کم ۵۹۴ کولبر با شلیک مأموران مرزبانی جمهوری اسلامی یا به طور مستقیم، یا در اثر سقوط ناشی از تعقیب و گریز و به رگبار بسته شدن در کوهستان کشته و ۱۳۶۴ نفر نیز زخمی شده اند. از این میان، ۵ نفر مفقود شده اند و ۳۶ نفر از کشته شدگان و زخمی ها نیز، زیر ۱۸ سال بوده اند.

کسانی که مسیرهای صعب العبور مناطقی مرزی ایران و عراق و ترکیه را می شناسند و یا از این مسیرها گذر کرده و میکنند در فواصلی نه چندان دور به لاشه قاطرها و اسبها و الاغ های باربر و نگون بختی بر می خورند که در نتیجه سنگینی بار و حرکت

وقتی این واژه به گوش کسی می خورد ابتدا تصویر انسان های زحمتکش و فقیر و محروم و بیچاره ای به ذهنش می رسد که برای تأمین معاش، هزینه والدین پیر از کار افتاده هزینه فرزندش که باید به مدرسه برود، هزینه درمان جگرگوشه ای مریض که به بیمارستان راهش نمی دهند، پرداخت اجاره بهای سرپناهی که در آن لانه کرده اند و.. چاره ای جز تن دادن به کولبری ندارند. واضح است هر آدمی که قطره ای از چشمه انسانیت نوشیده باشد لحظه ای هم شده احساس درد و رنج این انسان های گرفتار شده در چرخه ستم و استثمار و فقر و نابرابری وی را متأثر و به فکر فرو خواهد برد که تحمل این همه درد و رنج چگونه و تا کی ممکن است؟ او که از خواندن خبر و یا شنیدن زندگی مشقت بار و سرگذشت این زحمتکشان در ذهنش تصویری ساخته این گونه حزن انگیز و تحمل ناپذیر، آنگاه می اندیشد که صاحب این درد و رنج چه می کشد و چگونه می تواند این زندگی رنج بار و ملال آور را تحمل کند.

کولبر اما در این جامعه فقر زده محروم از شکل و تحزب مستقل و در جامعه ای که هر اعتراض و اجتماعی با سرکوب و زندان و اعدام پاسخ داده میشود از محرومترین بخش جامعه می آید، از کارگران بیکار شده، جوانانی که به خاطر فقر از ادامه تحصیل بازمانده اند کشاورزانی که زمین هایشان را از دست داده و یا به وسیله دلالان و واسطه ها و بانگ ها و رباخواران از هستی ساقط شده اند، حتی دانشجویان و تحصیل کردگان که از یافتن شغل ناامید و از تأمین حداقل معیشت خود و خانواده محروم اند. از کودکان ده پانزده ساله گرفته تا پیر مردانی هفتاد ساله برای تأمین حداقل معاش که زنده ماندن و تأمین انرژی لازم برای به کول

جوان تازه به سن بیست‌سالگی پا گذاشته بود و هنوز انرژی جوانی در رگ‌های او جاری بود. با آرزوهای بسیار در سر که روزی کار مناسبی پیدا خواهد کرد و دیگر مجبور نخواهد شد با کاری این چنین سنگین و پر خطر امرار معاش کند. او با وجود نو جوانی، انسانی پخته و مهربان بود. در تشییع جنازه و مراسم همکاران جانباخته خود شرکت میکرد و از هیچ کمک و یاری به آنها خودداری نمی نمود و هرگاه که سالم از مرز میگذشت و از کوه‌ها پایین می‌آمد به خانواده همکاران سر می‌زد، در یکی از همین مراسمها بود که با دختر همکار جانباخته خود چشم در چشم می‌شوند. شور و حال جوانی را چه دیدی، یک‌بار نه و صد بار عاشق هم می‌شوند. تا اینکه روزها سپری میشود و کار کولبری ادامه مییابد از روزی که دل به دختر باخته بود امید در دل اش زنده شده بود. گاهی از سفر که بر میگشت به همراه مادر و خواهرش با فراهم کردن مقداری مواد غذایی و مایحتاج اولیه به عیادتشان میرفتند و هر بار که در را می‌زد، دختر دل‌باخته‌اش پر باز میکرد و لحظه باز شدن و روبه‌رو شدن این دو جوان از بهترین و خوشبخت‌ترین لحظات زندگی‌شان بود که میتوانستند در تصورشان بگنجانند. از آن پس او بارهای سنگین‌تری انتخاب میکرد و گاه دوبار در شب از دره‌ها عبور میکرد از تیر مرزبانان جان بدر میرد و عرق اش خشک نشده دوباره با کاروانی دیگر راه میافتاد. تا پس اندازی کرده و برای زندگی مشترکی که آرزوی اش را داشت تدارک ببیند. او که از چهارده سالگی به کولبری روی آورده بود دو سال دیگر تمام انرژی جوانی خودش را گذاشت و بالاخره با اندکی پس‌انداز و وام از این و آن زمین کوچکی خرید و با بلوک‌های سیمانی سربناهی سرهم کرد و به خواستگاری دختر رفت. ازدواجشان که سرگرفت یک هفته کولبری را زمین گذاشت. با هم رفتند سنج. روزها در شهر می‌گشتند و گاه بر روی نیمکت پارکی و یا صندلی کافه ای مینشستند و با هم در باره عشق و آینده خود حرف می‌زدند. گاهی شوخی میکردند و میخندیدند با اینکه فضای عشق و عاشقی و شوق و شور جوانی محلی برای نگرانی‌ها

باقی نمی‌گذاشت اما هر گاه که سکوت میکردند در دل دختر غوغایی به پا میشد. او نگران بود، نگران روزی که هم چون پدر خیر مرگ عزیزترین اش را بیاورند. کوله بری که شوخی نیست! روز آخر چند ساعتی قبل از حرکت منبی بوس رفتند به "آبی در" هرچند که زمستان بود برف، اما "آبی در" مشرف به شهر حال و هوای دیگری داشت. روی نیمکتی نشستند به هم نزدیک شدند پاسدار و بسیجی و مزاحمی در آن دور و بر نبود. دست‌های همدیگر را گرفتند و به هم نزدیک و نزدیکتر شدند. گرمای بدن همدیگر را احساس می‌کردند گرمی که در سوز سرما تا مغز استخوان رسوخ میکرد از آن لذت میبردند و خود را خوشبخت احساس می‌کردند و انگار در دنیائی دیگر بودند. دختر سر را روی سینه معشوق گذاشته و در فکر فرورفته بود. دست‌های پسر. موهای او را نوازش می‌کرد. می‌خواستند ساعت‌ها در آنجا بمانند تنها و بی درد و با رویاهایی که در سر داشتند. اما اشک داشت در چشم دختر حلقه می‌زد سر اش را بلند کرد به چشم‌های عزیزاش نگریست و گفت: شهر از این بالا چقدر قشنگ است. نمی‌دانم از این همه خانه ماشین و نعمت دنیا چرا کولبری نصیب ما شد؟ پسر سکوت کرد. شاید جوابی نداشت که بدهد. اما ساعت رفتن فرارسیده بود و از جا بلند شدند از "آبی در" پایین آمدند و بعد از طی مسافتی به ایستگاه مینی بوس رسیدند و از لابه‌لای جمعیت که فقر از سر رویشان میبارید گذشته سوار مینی بوس شدند. بیشتر راه را هر دو در فکر بودند. هر کدام در رویاهای خود بودند و زیاد با هم حرف نزدند به روستا که رسیدند از مینی بوس پیاده شدند. دختر پیشنهاد کرد سر راه به سر خاک پدرش بروند. باهم به گورستان رفتند از چند قدمی محل دفن پدر، دخت ربا شیون زاری به سر خاک رسید، سنگ قبر را در آغوش گرفت بر خاک پدر بوسه زد. پسر سعی کرد او را آرام کند اما تا به خانه برسند گریه وزاری امان اش را بریده بود. در گورستان خاطرات کولبری پدر و جان‌باختن او در هنگام کولبری نگرانی دختر را صد چندان کرده بود. پسر باد و دست صورت او را برگرداند و سرش را در سینه

فشرده. گفت عزیزکم چی شده؟ دختر با التماس دست‌هایش را دور گردن پسر حلقه زد و گفت من خیلی نگرانم کولبری را بگذار کنار یک کار دیگری پیدا کن. هرطور که شده زندگی را می‌چرخانیم. پسر در فکر فرو رفت و خودش هم نگران و مضطرب بود منتها به روی خودش نمی‌آورد.

از فردا تا بیست روز دیگر هیچ باری را قبول نکرد اما به هر دری زد کاری بیابد که حداقل معیشت اش را تأمین کند، اما نیافت. در غروب بیستمین روز وقتی به خانه برمی‌گشت واسطه ای صدای اش زد. و گفت بیکاری؟ جواب داد آری ولی از کولبری دیگر خسته شده‌ام دنبال کار دیگری می‌گردم. واسطه با خنده زهرآگین گفت: ای بابا کار کجا بود، اگر هم باشد به تو نمیدهند مگر کولبری چه عیبی داشت که ول کردی؟ جوان جواب داد: آخر کولبری شد کار، مثل قاطر بار حمل می‌کنیم سرما و گرما را تحمل میکنیم از دره‌ها پرت میشویم گوله مرزبانان و پاسداران به جان ما مینشینند آن وقت سودا به جیب سرمایه داران و واسطه‌ها و دلال‌های مثل تو می‌رود. واسطه وسط حرف اش دوید و گفت دیوانه نشو تو که سال‌ها کولبری میکنی و اتفاقی نیافتاده باز هم طوری نمی‌شود. بارنون و آبداری دارم که از کاروان امروز چا مانده، قبول کن تا امشب به تنهایی و یا فردا با عده‌ای دیگر راه بیافت.

جوان دودل بود ولی پیدا نکردن کار و نیاز تأمین مخارج بر دودلی او غالب آمد و درنهایت قبول کرد. قرار فردا شب را گذاشتند و برگشت به خانه. دختر و مادر و خواهر در اشتیاق شنیدن خبر خوب درویش حلقه زدند، اما مثل هر روز از کار خبری نبود. پسر ماجرای تصمیمی که گرفته بود گفت و اینکه مجبور است برای تأمین کم و کسری زندگی بار دیگر به کولبری روی آورد، اما قول داد که یکی دو هفته بیشتر ادامه نخواهد داد. آن شب و روز بعدش به گریه وزاری گذشت. تازه عروس و مادر و خواهر هیچ‌کدام رضایت نمیدادند و عصر که شد جوان آماده رفتن شد. هر سه نفر تا پای کوه او را همراهی کردند در آنجا انواع و اقسام کالاها در بسته‌های بزرگ و کوچک بسته بندی

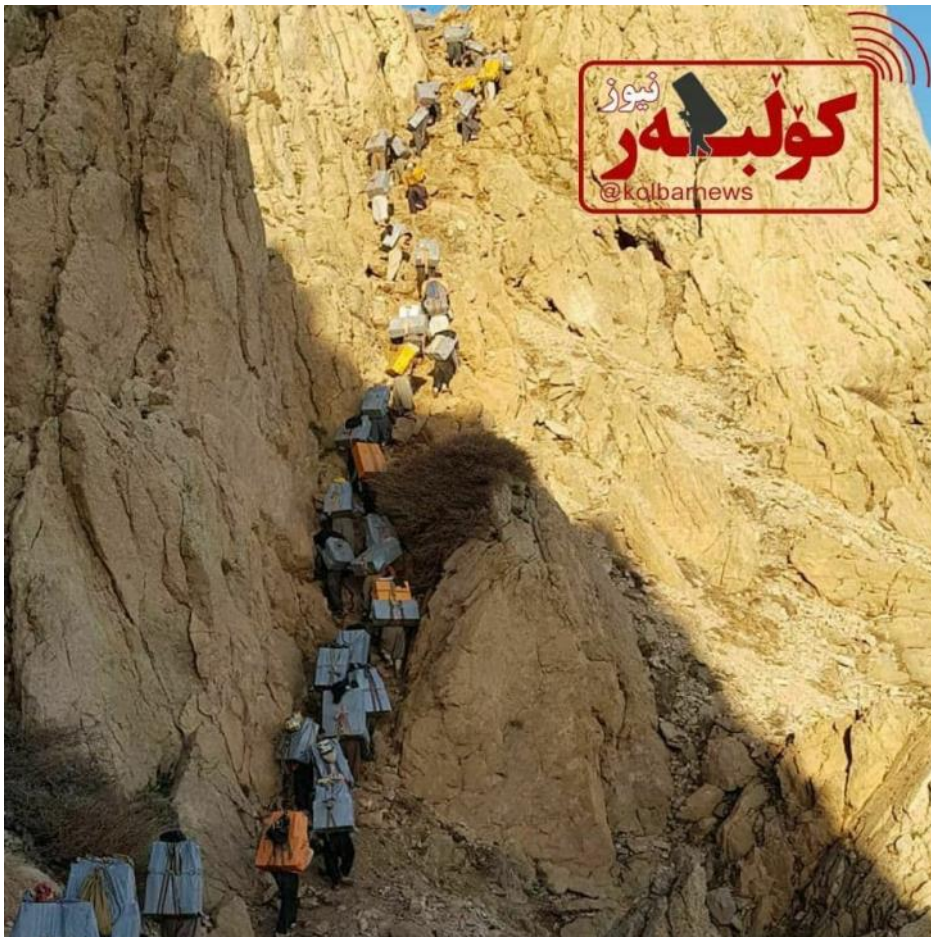
آنها در پارچه‌ای پیچیده و روی قاطر بار کردند و از راهی که آمده بودند برگشتند. اما از روز دوم که از بازگشت کاروان خبری نشد تازه عروس به همراه خواهر و مادر داماد از پای کوه به خانه نرفتند. ارتباطات قطع شده بود. تک و توکی هم که از کوه بر میگشتند از بقیه یا خبری نداشتند و یا اگر هم خبر داشتند چیزی نمی‌گفتند. عصر- روز سوم کاروان همراه با جسد از کوه پائین آمد سروکله دو سه نفر اول که پیدا شد لحظه ای شعله امید در دل دختر زبانه کشید. هان! آمدند. او ایستاده بود و چشم از راه بر نمی‌داشت. برف میبارید از سوز سرما گونه‌های اش گل انداخته بودند. دانه های درشت برف که بر روی شال کردی اش مینشست انگاری که تور عروسی بر سر کرده است. نگران و مبهوت چشم به راه عشق زندگی اش بود. دیگر همه چیز را فراموش کرده بود و فقط به سلامتی او میاندیشید. اینکه یک بار دیگر او را در آغوش گرفته و بر گونه‌های اش بوسه زند.

هرچه کاروان نزدیکتر میشد التهاب و

شد به سنگ خورد و جوان خودش را کشید پشت سنگ اما افسار قاطر همچنان در دست اش بود میدانست که اگر افسار را رها کند قاطر رم کرده و به ته دره سقوط خواهد کرد. قدری سکوت حاکم شد و او بی اختیار در فکر فرو رفت و در آن لحظات مرگ و زندگی به چه چیزی فکر میکرد؟ نمی‌دانیم اما طولی نکشید که با صدای تیر دوم آرامش کوتاه جای خودش را به ترس و اضطراب داد. تیر دوم به سنگ خورد و کمانه کرد به طرف قاطر و قاطر رم کرد و یک لحظه جوان را با خود کشید و تا نصفه بدن از پشت تخته سنگ بیرون آورد و جوان تا افسار را رها کرده برگردد تیر سوم در پشت اش نشست و روی برفها در غلتید. آنشب کولبرها گرفتار مصیبت شدند اینکه چه بر سر بقیه آمد میگذریم و لی دو روزی طول کشید تا آنهایی که زنده و سلامت جان بدر بردند همدیگر را بیابند و بعد از جستجو ابتدا به جسد متلاشی شده قاطر برخوردند که در ته دره افتاده بود و اندکی بعد جسد غرقه به‌خون تازه داماد را یافتند.

شده در کنار هم روی زمین چیده شده بودند، قاطر ها اسبها و کولبران همه در جنب و جوش بودند. هر کس کولی را به پشت گرفته محکم می بست. قاطر ها هم بار می‌شدند. جوان برگشت به تازه عروس و خانواده اش که نگران و گریه کنان به نظاره ایستاده بودند دلداری داد و گفت: مواظب خودتان باشید تا پس فردا برمی‌گردم. سفارشهای لازم را کرد و برگشت. سنگینترین بار را برداشت تا دستمزد بیشتری بگیرد و قاطری کرایه ای راهم بار کرد و افسارش را به دست گرفت و همراه دیگران راه افتاد. عروس مادر و خواهر، دوروز تمام خواب و خوراک نداشتند، همه اش نگران بودند و حق هم داشتند چون کولبر تا بر نگشته است از مرده و یا زنده بودن آن اطمینانی نیست. دوروز گذشته اما خبری نشد به پای کوه رفتند، به شدت برف میبارید. هنوز کاروان بازنگشته بود حتما اتفاقی افتاده. چه اتفاقی؟

کاروانیان که آن شب راه افتاده بودند دیر وقت در وسط کوه ها در برف سنگینی که از چند روز قبل باریده و روی هم تلنبار شده بود، گیر افتادند. راه ها که در وقت عادی هم گذشتن از آنها طاقت فرساست در زیر برف ناپدید شده بودند و راه از چاه تشخیص داده نمیشد، قاطرها قادر به حرکت نبودند تا چه رسد به آدمهایی که خود باندازه قاطرها بار حمل میکردند. تا نصفه های شب یکی دو قاطر به ته دره سقوط کرده بودند. کولبران زیر بار سنگین دوام نیاورده و با وجود خطر تیراندازی گاه بند هارا باز کرده و خود را از زیر بار بیرون می‌کشیدند. هر کس در تغلای نجات خود بود ورشته از هم پاشیده بود. آنطرف تر داماد جوان هنوز از پای نیافتاده بود ولی در آن برف و بوران امکان ادامه راه نبود. در چند قدمی او تخته سنگ بزرگی بر سینه کوه لم داده بود. افسار قاطر که بی تابی میکرد و از نفس افتاده بود هنوز در دست اش بود کشان کشان خود را به پشت تخته سنگ رساند. تازه بار پشتش را باز کرده بود که تیر اندازی شروع شد. خود اش را کشید پشت سنگ. گویا سرو صدا و جنب و جوش قاطر پاسداران را متوجه آنجا کرده بود. تیر اولی که شلیک



نگرانی سرا پایش را می‌گرفت. آخر اگر او هم با این کاروان بود میبایست زودتر می‌رسید، اقلاً دستی تکان می‌داد. در این افکار بود که ناگهان قاطری که جسد بر پشت اش قرار گرفته بود در وسطای صف ظاهر شد. دختر تا باری روی قاطر دید زیان اش بند آمد. دست مادر را در دست گرفت مادر و خواهر هم نگران بودند ولی هنوز معلوم نبود که جسد متعلق به کیست. در آنجا خانواده های دیگری هم در انتظار بودند، همه نگران و پریشان. اولین کولبری که نزدیک جمعیت شد چیزهایی گفت و سپس نزدیک تازه عروس و مادر و خواهر رفت. از قیافه درهم شکسته و مغموم اش روشن بود که خبر بدی دارد و تا دهن اش را باز کرد که سر سلامتی بگوید تازه عروس و خواهر داماد پاهایشان لرزید و افتادند و مادر هم با فریاد و زاری به سر و صورت اش چنگ میکشید و تمام درد اش را در آوازی حزن‌انگیز فریاد می‌کشید. همه فهمیدند که چه خبر است دور آنها را گرفتند و هر کاری از دستشان بر می‌آمد کردند اما فایده نداشت در همین حول وحوش جسد را از قاطر پایین آوردند و آن را بر زمین نهاده پارچه را از روی جسد کنار زدند. چهره خونین داماد جوان که نمایان شد یک لحظه عروس چشم‌باز کرد و خودش را انداخت روی جسد، دستهایش را به صورت، بدن، موهای سر و لباسهای خونین داماد میکشید انگار که دنبال گمشده ای می‌گشت. هر کار کردند نتوانستند از روی جسد برآش دارند تا اینکه همان جا از حال رفت و بی هوش شد.

پیر مرد به اینجا که رسید سکوت کرد گفتم: برس عروس چی آمد؟ گفت چه میخواستی به یاد از همان روز به بعد دیگر زبان‌باز نکرد. نه چیزی میخورد و نه می‌نوشید. اهالی کمک کردند به بهداری بردند و دوا و درمان هم اثر نکرد و چند روز بعد از دنیا رفت و جسدش در کنار داماد به خاک سپرده شد. پرسیدم این صاحب مال‌ها و واسطه‌ها هیچ خسارتی چیزی به مادر و خواهرش ندادند؟ گفت نه بابا هیچ‌کس به‌دادشان نرسید. صاحبان کالاها سرمایه داران و تجاری هستند که در شهرهای بزرگ تهران تبریز سنندج و مهاباد

و اینها نشسته اند. از کشته شدن کولبران اصلاً کک شان هم نمیگذرد واسطه‌ها و دلال‌ها هم تازه در پی این بودند کلبه محقر آنها را از بابت خسارت قاطر و کالاهای گم شده و غیره از دستشان دربیاورند. ادارات دولتی که اصلاً محلی نمی‌گذارند. بخش زیادی از رؤسا و نظامیان وامینتی‌ها خودشان دستشان در کار است و سهم می‌برند.

اینجا به پیرمرد گفتم که دیگر بس است واو هم ادامه نداد. و اینکه بسر-مادر و خواهر چه آمد دیگر نگفت و من هم نپرسیدم. این سرگذشت نمونه ای از سرگذشت هزاران زحمتکشی. است که زیر ستم و استثمار مضاعف و از جبر فقر و نداری به کولبری روی می‌آورند و یا در مبارزه و جنگ و گریز و آوارگی در کوه‌های سر به فلک کشیده مرزها جانشان را از دست میدهند. اگر کوه‌ها و دره‌ها زبان داشتند قصه‌ها تعریف میکردند، و میگفتند که به اندازه لاله‌های بهاری در اینجا در این دره‌ها و دامنه‌ها و راه‌های صعب‌العبور خون انسانهای زحمتکش و تحت ستم و استثمار ریخته شده است و هنوز هم ریخته می‌شود.

کولبران در میانه دو تیغ

عادت بر این است که افراد خیر انسان‌دوست و محافل روشن‌فکری و احزاب و سازمان‌های محلی و سراسری وقتی اخبار و گزارشات این چینی را می‌خوانند و یا می‌شنوند اغلب کل تحلیل‌هایشان از حد مقصر- دانستن مرزبانان و جمهوری اسلامی فراتر نمی‌رود و مثل هر انسان‌دوست دیگری تأسفی می‌خورند و با یک خروار شعار آن را محکوم می‌کنند. اما فراموش میکنند که عامل دیگر این سیه‌روزی سرمایه داران و تجاری و واسطه‌ها و دلالان محل و منطقه هستند که دست در دست صاحبان قدرت و ثروت به مکیدن خون این زحمتکشان مشغولند، کالاهای آنها بر دوش کولبران از راه‌های صعب‌العبور و خطرناک کوه‌های مرزی به مقصد کشورهای هم‌جوار حمل میشوند با دستمزدی بسیار اندک و بخور نمیر که توسط واسطه‌ها پرداخت می‌شود. هنگامی که این زحمتکشان تحت ستم و

استثمار زیر بار سنگین سرمایه داران کوه‌ها و دره‌ها را می‌پیمایند، در شبهاتی که با برف و بوران، حمله حیوانات درنده و یا پاسداران ظلم و ستم مواجه میشوند تیر می‌خورند کشته میشوند و یا به دره‌های عمیق سقوط کرده و گم و گور میشوند، صاحبان کالا در شهرهایی نظیر تهران، سنندج، تبریز و دیگر شهرها در دفاترشان پذیرائی میشوند و یا بدور از چشم همسران خود با زنان صیغه‌ای در حال عیش و نوش اند. ان‌گل‌هایی که لقمه‌شان به خون کولبران و دیگر رنجبران آغشته است. آنها برای صدور کالا راه‌های قاچاق و کولبران را انتخاب میکنند تا هزینه حمل و نقل، مالیات و نیروی کار و تعهدات مربوطه شانه‌های خالی کنند و از راه استثمار بی‌رحمانه زحمتکشان کولبر بر ثروت خود بیافزایند.

مقصر دانستن و محکوم کردن به حق رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و اما فراموش کردن سرمایه داران و تجار و عوامل آنها توسط جریان‌های سیاسی و مدعیان دفاع از حقوق کولبر، اگر از حس ناسیونالیستی سرچشمه نگرفته باشد لابد از فقدان آگاهی و عدم آشنائی با زندگی زحمتکشان سرچشمه می‌گیرد و این نوع ارزیابی‌ها و موضع‌گیری‌ها در دفاع از کولبران زحمتکش کمکی به ارتقاء سطح آگاهی و مبارزه برای رهایی از ستم و استثمار و زور و سرکوب در بر ندارد. سال‌هاست که مفهوم کولبر در جامعه سرمایه‌داری به‌ویژه جامعه‌ای نظیر ایران که در آن میان نیروی کار و زحمت و صاحبان قدرت و ثروت قانون جنگل حاکم است مفهومی کاملاً متفاوت با معنای لفظی اش پیدا کرده است، مفهومی گسترده که تنها یک تحول بنیادی و یک دگرگونی اجتماعی به نفع زحمتکشان میتواند این مفهوم از کولبری را نیز دگرگون کند.

یدی شیشوانی فروردین 1403

سال جدید، فصلی نوین در مبارزات

فعالین داخل کشور

انسانیت و عدالت آنان را از هرگونه تعلق به "خود" باز داشته باشد. بی شک برای چنین بودن باید کوشید از آنها الگو پذیرفت و به راه آنان دعوت نمود. در سال گذشته اتحادها و ائتلاف های جدیدی در جنبش چپ اتفاق افتاد که در آغاز امیدوارکننده و مثبت تلقی میشد اما در نهایت متاسفانه به سرنوشت حرکت های گذشته دچار شد و از هم گسست یا در بهترین حالت در حد بیانیه مشترک نوشتن و امضای پای یک نوشته باقی ماند! با آغاز سال جدید فرصتها برای اتحادی قویتر و کوبنده تر در جبهه چپ را غنیمت شماریم و از حرکتها و جنبشهای کارگری در سطوح مختلف در سراسر جهان بیاموزیم و استقبال کنیم. حال که دستمزد طبقه کارگر به یک شوخی تبدیل شده و وضع معیشت مردم روز به روز فاجعه آمیزتر میشود، با شاخصهای بسیاری میتوان پیش بینی کرد امسال برای حاکمان و رژیم سال سختی خواهد بود، سالی که اگر "ما" باشیم و ایستادگی کنیم سال بزرگ و تاریخ سازی خواهد بود ...

نوروز مبارک

زننده باد انقلاب سرخ توده ها

زننده باد سوسیالیسم

نیست. در سال گذشته مبارزات کارگری، جنبشهای بازنشستگان، فعالیتهای اعتراضی، اعتصاب، تحریم انتخابات و موارد بسیاری از حرکتهای تودهای را شاهد بودیم که هریک ضریهای مهلک بر پیکر رو به موت رژیم وارد آورد. اما باز هم با شوک درمانی های گوناگون و به دیگر از مرگ رست. وظیفه هر انسان آزاده و عدالت پیشهای ر کمک سالها تجربه ی ظلم و ستم حاکمان، رژیم با در سال جدید تداوم راه مبارزاتی گذشته و افزودن بر آتش خشم تودهای است. سالها تجربه ی مبارزه، به راحتی و رایگان بدست نیامده بلکه با تقدیم عزیزترین جانها و ریخته شدن سرخترین خونها حاصل شده. این مهم همواره به ما خاطرنشان میکند راه تغییر و گام برداشتن به جلوه به آسانی و راحت جان بلکه از صعب العبور ترین و سخت ترین مسیرها میگذرد. تنها کسانی توانایی گام برداشتن و رفتن در این مسیر را دارند که عشق به

تمام افت و خیزها، مشکلات معیشتی، تهدیدها، سرکوبها و سایر معضالت، سال 1402 به پایان رسید و سالی جدید از راه رسید. حال دیگر حتی کودکانی که به مدرسه نمیروند نیز با این کارکرد طبیعت آشنایی دارند که سوز و سرما و برف و باران همیشگی و ابدی نیست و مدت و ح دت آن هرچقدر هم که باشد در نهایت چاره های ندارد جز اینکه جای خودش را به سرسبزی، طراوت، نشاط و امید بدهد. نه داستانها و اساطیر عامیانه بلکه تاریخ، گواهی این ادعاست. بانیان ظلم و ستم، تزویر و ریا، بیعدالتی و چپاول و فساد و تباهی در نهایت محکوم به فنا و نابودی ر شده اند. این پروسه در در موارد مختلف، متفاوت اما محتوم بوده است. اکنون نیز با آمدن مجدد فصل بهار با دیگر به ما یادآوری شد که هیچ سوز و ظلمتی ابدی



شعار "کار - مسکن - آزادی" عمده خواست های طبقه کارگر و یک جامعه آزاد و مرفه را هدف گرفته و تا استقرار سوسیالیسم کما کان کاربرد دارد.

برخی از جریانات شعار «نمان مسکن آزادی» و یا «نمان کار آزادی» را مطرح میکنند، شعاری که در اعتصابات و تظاهرات کارگران نیشکر هفت تپه نیز مطرح شد و متعاقب آن این شعار از طرف برخی جریانات رفرمیست و چپ و راست تکرار شد. اما واقعیت این است که شعار «نمان»، شعار مناسب دوران کنونی جنبش کارگری نیست و یک شعار انحرافی است و مبارزات و مطالبات کارگری را گامها به عقب میبرد. کارگران ایران اگر بیکاران خواستار کار با حقوق مکفی هستند که بتواند رفاه عمومی امروزه آنها تامین کند. بیکاران نه دنبال تکه نانی برای رفع گرسنگی از تکایا و مساجد و یا کمیته هائی نظیر کمیته امداد خمینی که همواره در حد رفع گرسنگی هر فقیری اعلام آمادگی کرده است، بلکه خواستار کار مسکن و تامین اجتماعی همه شمول و حقوق دوران بیکاری هستند. کارگران شاغل خواهان حقوق متناسب با یک زندگی مرفه امروزی هستند نه رفع گرسنگی.

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست
<https://fedayi.org/>

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورائی

اخیر، یعنی در اواسط سال ۲۰۱۴، روسیه با لشکرکشی به شبه جزیره کریمه که بخشی از خاک اوکراین بود را ضمیمه خاک خود کرد، این شبه جزیره از لحاظ تاریخی چه پیشینه ای داشته و از لحاظ سوق الجیشی، چقدر برای روسیه و قدرت‌های بزرگ دیگر اهمیت دارد؟

پاسخ: از قدیم الایام بواسطه موقعیت سوق الجیشی- کریمه و بنادر آن که دسترسی به مدیترانه شرقی بالکان و خاورمیانه و نیز گذرگاه مهم اقتصادی دریای خزر و منطقه قفقاز که را به اروپای شرقی و مرکزی وصل میکند از موقعیت استراتژیک مهمی برخوردار بوده است. از دوران روم باستان، رومیها ی بیزانس و بعد ها عثمانیها، بریتانیائی ها آلمانیها، همه بدنبال تصرف آنجا بوده اند. بعد از انقلاب اکتبر همچون سایر ملل ساکن در امپراطوری روسیه تزاری این منطقه به یکی از جمهوریهای شوروی تبدیل شد و بعد از جنگ جهانی دوم در دوران خرشچف منطقه کریمه به اکراوین واگذار شد و بعد از فروپاشی شوروی بعنوان جمهوری

پاسخی مختصر به چند پرسش دریافتی در باره جنگ در اکراین

ومجارستان و رومانی و مولداوی بمتابه سربل مسیره‌های انرژی، و تجارت، همچنین مسیره‌های حمل و نقل دریایی و رودخانه ای از اهمیتی استراتژیک برخوردار است. لوله‌های گاز و نفت روسیه از این منطقه میگذرد اکراین وصل به دریای سیاه است بعنوان مسیر حمل و نقل و تجارت بین خاورمیانه و اروپا و ارواسیا عمل می‌کند علاوه بر آن منطقه کریمه است که بندر مهمی در سواستپل دارد که آن هم برای مسیره‌های تجاری اهمیت داد و مجموعه اینها به رقابت‌های ژئوپلتیک در این منطقه دامن میزند.

پرسش: هشت سال قبل از شروع جنگ

پرسش: در ۲۴ فوریه دو سال پیش شاهد جنگی ویران‌گر در اروپا بین کشورهای روسیه و اوکراین بودیم که تعداد بسیار زیادی از نظامیان و غیر نظامیان در آن کشته و زخمی شدند. میلیون‌ها تن از گروه‌های قومی اوکرائینی، روسی، تاتار و غیره آواره شده اند که بیش از دو میلیون نفر آنان را کودکان تشکیل می‌دهند. موقعیت استراتژیک این منطقه از اروپا را بیان کنید؟

پاسخ: اکراین در اروپای شرقی قرار دارد و در قلب اروپا هم هست بواسطه هم مرزی با روسیه، بلاروس، لهستان، اسلاواکی



خود مختار کریمه نام گرفت که در حوالی ۲۰۱۴ بعد از حوادث میدان با یک همه پرسی به روسیه پیوست.

پرسش: در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ وقتی روسیه حملات نظامی خود را در خاک اوکراین آغاز کرد. پوتین در یک نطق تلویزیونی از حمله نظامی به منطقه دونباس استان های دونتسک، لوهانسک، خارکیف، ماریوپل و کی یف که در برگیرنده بخش های بزرگی از شرق و شمال شرقی کشور اوکراین بود تحت کلیدواژه «عملیات نظامی ویژه» یاد کرد و هدفش را مبارزه با فاشیسم و ناتو اعلام کرد. این در هم تنیدگی واژه ها از چه ناشی میشود؟

پاسخ: اولاً باید گفت که این منطقه یعنی دنباس، شامل استانهای دونتسک، لوهانسک خارکف و ژاپورونیا یا خرسون میشود که عمدتاً روسی تبار هستند و بعد از فروپاشی شوروی آنها خواستار حفظ اشکالی از سیستم شوروی بودند. بعد از کودتای ۱۹۱۴ در اوکراین از یک طرف نئونازیهای اوکراین در ارتش و ارگانهای دولتی دست بالا را بدست آوردند و از طرف دیگر غرب به رهبری آمریکا با آموزش و تسلیح نیروهای اوکراینی پرداختند دولت های بعد از کودتا با ممنوعیت زبان روسی و ایجاد فضای رعب و وحشت و سانسور به تدارک لشکر کشی. به مناطق نیمه خود مختار روس زبان کردند در حالیکه مردمان روس زبان منطقه دنباس خواستار خود مختاری و اختیارات بیشتر بودند اما کیف بجای قبول آنها متوسل به بسیج نیرو و حمله نظامی شد. از طرفی ناتو در حال گسترش به مرزهای روسیه عضویت اوکراین را نیز در دستور گذاشت متعاقباً خطارها و هشدارهای روسیه که موقعیت خود را در خطر میدید مذاکراتی انجام شد اما به نتیجه نرسید و سرانجام با زیر پا گذاشته شدن آخرین توافقات در منیسک توسط اوکراین تدارک حمله قطعی ارتش اوکراین به مناطق نیمه خود مختار تحت نام جمهوری خلق بپایان رسید با حمله قریب الوقوع ارتش اوکراین به این مناطق بود که ارگانهای اجرائی این مناطق اعلام استقلال

می رسد که شرایط برای تغییر توازن قوا در سطح جهان در حال شکل گیری است، آیا شما هم آینده جهان را اینگونه می بینید؟ در این کشمکشها جایگاه و نقش نیروهای مختلف عدالتخواه و سوسیالیست و توده های مردم کجاست؟

پاسخ: این یک واقعیت است که جنگ محصول بحران سرمایه داری است و وقتی بحران تشدید میشود و رقابت در بازارهای کار و کالا بصورت مسالمت آمیز جوابگو نیست به هر بهانه ای جنگ با هدف تجدید تقسیم مناطق نفوذ و بازارهای کار و کالا و نیز راه ها تجاری و مواصلاتی آغاز میشود در چنین شرایطی صنایع نظامی رونق میگیرند شرکتهای تولید کننده سلاح در عرصه داخلی و روابط بین المللی قدرت گرفته و حرف آخر را میزنند و از طرفی رونق بازار تسلیحات که به قیمت خون مردمان زحمتکش میچرخد به اقتصادهای در حال فروپاشی یاری میرسانند این دو عامل ایدئولوژی خود اش را که همان ناسیونالیسم و فاشیسم است در افکار عمومی توسعه میدهند تا زیر پوشش آن معترضین را سرکوب بکنند و بودجه لازم برای ادامه جنگ و تزییق به کارخانه های اسلحه سازی را با افزایش مالیات و زدن تامینات اجتماعی، گران فروشی، انجماد دستمزدها و غیره تامین میکنند. یعنی اکثریت مردمی که جوانان شان در جبهه ها کشته میشوند و خودشان هم به بهانه جنگ شدیداً استثمار میشوند و دستاوردهای تاکنونی شان هم بتدریج پس گرفته میشود، بتدریج بیدار میشوند و برای دفاع از حق معیشت و سطح زندگی، دستمزدها و کشته شدن جوانانشان به اعتصابات و اعتراضات کشیده میشوند و این اقدامات توده ای میتواند عامل اصلی تحولات و جلوگیری از ادامه جنگ و کشتار شود و در صورتی که توسط احزاب انقلابی رهبری بشوند بدون شک از دل این جنگها است که انقلاب فرا میرود و سربازها در جبهه ها بجای تیراندازی و کشتن همدیگر تفنگ هایشان را به سمت دشمنان مشترکشان نشانه رفته و از طریق سرنگونی طبقه حاکم کشورشان به جنگ میان انسانهایی که هیچ منفعتی از ادامه جنگ

کرده و خواستار حمایت روسیه شدند با اعلام موافقت روسیه ارتش این کشور وارد مناطق شد و با برگزاری همه پرسی این مناطق به روسیه ملحق شدند و ظاهراً به استناد این همه پرسی ها روسیه اکنون در خاک خود اش میجنگد و هنوز بخشهای دیگر از این استانهای روس زبان به تصرف کامل ارتش روسیه درنیامده است. در عین حال نباید از نظر دور داشت که این جنگ، جنگ میان کشورهای غرب به رهبری آمریکا با روسیه است که در سر زمین اوکراین پیش برده میشود.

اما صحبت پوتین از عملیات ویژه به این معنی است که این عملیات کوچک و ویژه است و ارتش روسیه بطور کامل وارد این جنگ نمیشود و دو م اینکه این جنگ هر سه عرصه نظامی، سیاسی و ایدئولوژیک را در بر میگیرد که ادعای نازی زدائی و نظامی زدائی و مبارزه با ناسیونالیسم اوکراینی را در بر می گیرد از این بابت میشود درهم تنیدگی این واژه هارا توضیح داد.

پرسش: پیمان نظامی آتلانتیک شمالی «ناتو» با انحلال پیمان نظامی ورشو در سال ۱۹۹۱، گسترش بیش از حدی پیدا کرد از کشورهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی همانند، لتونی، استونی و لاتویا به ناتو پیوستند، از سوی دیگر با پیوستن فنلاند و سوئد تعداد کشورهای عضو این پیمان به ۳۲ عضو رسید. از سوی دیگر گرجستان و بویژه اوکراین در سرلیست پیوستن به پیمان نظامی آتلانتیک شمالی «ناتو» قرار دارند. این همه آرایش نیروهای نظامی و پیشروی ناتو در ذهن شما چه چیزی را تداعی می کند؟

پاسخ: نشان دهنده درجه اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی اهداف این جنگ است که در واقع پیروزی روسیه برای غرب بسیار گران تمام خواهد شد فقط این نیست که منافع اش در این منطقه به خطر میافتد بلکه موقعیت بلوک غرب از جمله ناتو در سراسر جهان تضعیف می شود.

پرسش: بیش از سه دهه است که ما در یک جهان تک قطبی زندگی می کنیم، بنظر

نقل از گزارش سیاسی شورای مرکزی به کنگره هشتم

در چهارچوب مناسبات سرمایه‌داری وقتی تضادها تشدید شوند و سرمایه داران نتوانند از طریق رقابت و سازوکارهای معمولی به انباشت سرمایه ادامه دهند، سرانجام برای خروج از بحران و دستیابی به بازارهای جدید، منابع مواد خام و نیروی کار ارزان به جنگ روی می‌آورند تا از طریق زور مناطق نفوذ خود را گسترش دهند و یا مانع دست درازی رقبا به مناطق نفوذ خود شوند. طبیعتاً در این مرحله کنسرنها و کارتل‌های عظیم تسلیحاتی رونق می‌گیرند و هرچه دامنه جنگ و کشتار گسترده‌تر شود آنها سود بیشتری به جیب می‌زنند و چنین است که شاهد جنگ‌های نیابتی و یا جنگ‌ها و رو در روئی‌های بزرگ میان قدرت‌های جهان نظیر روسیه و اوکراین و عملاً روسیه و ناتو در رأس آن آمریکا هستیم.



سرمایه‌داری نباید اعتماد مطلق کرد.

پرسش: یکی از گروه‌هایی که در جنگ روسیه و اوکراین از آن یاد می‌شود، گروه نظامی، واگنر است که با حکومت روسیه همکاری می‌کند، در عین حال جدال‌های گوناگونی بین این گروه و ارتش روسیه وجود دارد، شما در مورد این گروه چه میدانید؟

پاسخ: واگنر در واقع مثل بلاک واتر در آمریکا گروه شبه نظامی است که با اجازه دولت و لی ظاهراً بصورت شرکت خصوصی فعالیت می‌کند. این نوع از شرکتهای نظامی توسط دولت‌ها و در قالب خصوص درست می‌شوند و مخصوص دخالت‌های خارجی و ماموریت‌های ویژه هستند چون خصوصی نامیده میشوند اغلب دولت‌ها پاسخگوی اعمال جنایت‌کارانه آنها نیستند و یک جوری از زیر قوانین بین‌المللی در می‌روند. بودجه این نهادها از طریق قراردادهای دوجانبه و کمک دولت ویا از طریق سازمان‌ها اطلاعاتی و امنیتی تهیه می‌شوند

ندارند، پایان می‌دهند.

پرسش: پس از ارسال پهپاد توسط ایران به روسیه و استفاده از آن در جبهه‌های جنگ رهبران ناتو اعلام کردند که ایران در حال ارسال موشک بالستیک کوتاه برد به روسیه است، ادعا میشود که کره شمالی نیز تسلیحات نظامی به روسیه ارسال کرده و کشورهای عضو ناتو به ایران و چین بخاطر ارسال تکنولوژی جنگی هشدار داده اند. وارد کردن تسلیحات به روسیه که دارای مقادیر زیادی تسلیحات جنگی است، چه نقطه ضعفی از این جنگ را برای روسیه آشکار می‌سازد؟

پاسخ: این که اینها واقعا به روسیه اسلحه می‌فرستند یا نه، راستی آزمائی آن برای ما ممکن نیست. ولی این واقعیت را نباید فراموش کرد که انبارهای روسیه از دوره شوروی پراز انواع سلاح و مهمات است. از آن گذشته روسیه درسالهای اخیر تولید سلاح‌های مجهز به تکنولوژی مدرن را از سر گرفته است و در حال حاضر دومین کشور تولید کننده سلاح در سطح جهان بشمار میرود از این رو بنظر نمی‌رسد که نیازی به وارد کردن سلاح از کشورهایی نظیر ایران باشد. با این وجود بدون اطلاعات موثق نمیتوان در این باره قضاوت کرد. در عین حال دروغگوئی‌های غرب مخصوصاً در جریان جنگ در غزه و سالوسی شان برهمگان آشکار شده است آنها هر زمان لازم باشد در جایی تشنج آفرینی بکنند دروغی را سرهمبندی میکنند و از طریق رسانه‌های غول پیکری که در اختیارشان است این دروغ‌ها را بنام حقیقت بخورد مردم می‌دهند تا با مهندسی افکار عمومی اهداف شان را عملی بکنند از



این رو به اخبار و احادیث رسانه‌های

سنگرهای دشمن در حال فتح است

فعالین داخل کشور

جامعه به واقع از بین رفته است! و این خود نشان دهنده دست‌آوردی بزرگ برای مردم است. حقیقت این است وقتی یک حکومت خود را دینی معرفی می‌کند، بزرگ‌ترین هراسش متزلزل شدن شعائر مذهبی و تضعیف مظاهر ایدئولوژی‌اش است که حال ما شاهد این اتفاقیم. حالا در فاصله دو ماه مانده به محرم می‌توان حدس زد محرم امسال هم با استقبال زیاد مردم مواجه نخواهد شد و همانند رمضان و محرم‌های اخیر امسال نیز رونق نخواهد داشت و این کسادى حتى بیشتر هم خواهد بود. زمانی که بنیان‌گذار رژیم فعلی، تاکید داشت که محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته به وضوح می‌دانست کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی و به تعاقب آن از بین رفتن مسایلی خواهد بود با از بین رفتن رژیم! به همین خاطر حکومت سال‌ها تلاش کرد این سنگر را حفظ کند اما با توجه به سخت‌گیری‌های بیش از حد، تاکیدهای فراتر از نیاز و نیز رشد رسانه‌های جمعی و آگاه‌سازی‌های توده‌ای این عمل حکومت اثر عکس گذاشت و مردم نه دین‌دارتر که دین زده‌تر شدند و این خبری بد برای حکومتی است که خود را برحق‌ترین و شایسته‌ترین حکومت مذهبی و تنها حکومت الهی می‌داند! در پایان فراموش نکنیم دستاوردهای ما در مسیر یک انقلاب هرچه بزرگ هم باشد نباید ما را از هدف اصلی و غایی دور و منحرف سازد؛ سرنوشتی کامل نظم موجود و برقراری حکومتی سوسیالیستی یگانه خواست زحمت‌کشان، روشنفکران و انسان‌های نوع‌دوست است.

زنده باد انقلاب

زنده باد سوسیالیسم دهم فروردین ماه هزار و چهارصد و سه

ماه‌های دیگر اهمیت داشت حالا اما احتمالاً نیازی نیست حتی در مورد آن جمله‌ای بنویسیم چرا که وضع موجود خود، گویای همه چیز است! مهم‌ترین دلیل این رویداد، حرکت ناشیانه و احمقانه رژیم در برخورد با زنده‌یاد مهسا امینی بود که منجر به بی‌حجابی علنی و آشکار دختران و زنان ایرانی شد و تلاش‌های گوناگونی که بعد از آن برای بهتر کردن وضعیت حجاب صورت گرفت از حجاب‌بانان تا ممنوعیت ورود به مترو برای افراد بدحجاب و حتی این اواخر تهدید به جریمه نقدی و برداشت مستقیم آن از حساب شخصی، هیچ‌کدام نتوانست وضع را به قبل از قتل ژینا برگرداند یا حتی کمی آن را بهبود بخشد. این شکست مفتضحانه باعث شد رژیم در موارد دیگر نیز انعطاف بیشتری نشان دهد و این انعطاف‌پذیری نه اختیاری و خودخواسته بلکه از بیم شکست‌های بیشتر و بزرگ‌تر است. حالا دیگر حکومت می‌داند اگر خبر برخورد سخت با شخصی، که در پارک جرعه‌ای آب نوشیده رسانه‌ای شود، هر لحظه باید منتظر سلسله اعتراض‌ها و مبارزات تازه‌ای باشد، از این رو ترجیح می‌دهد تمرکزش را روی دستگاه تبلیغاتی‌اش یعنی رسانه‌هایی که در اختیار دارد بگذارد. ساخت انواع برنامه و فیلم و سریال در حمایت از رمضان و فواید روزه داری! اما برخورد فیزیکی و حتی لسانی در کف

رمضان، مهم‌ترین و بهترین ماه سال از دیدگاه مسلمین است. ماهی که اهمیت ویژه‌ای برای اسلام‌گرایان دارد و از آن با نام ماه میهمانی خدا یاد می‌کنند. سالیان سال دستگاه حکومت‌داری در ایران روی این ماه حساب ویژه باز کرده و حتی در زمان پهلوی و نیز پیش از آن قاجار هم شاهد وضع قوانینی برای به‌اصطلاح احترام به این ماه و حرمت روزه‌داری بوده‌ایم. اما اهمیت رمضان برای حکومت جمهوری اسلامی، چندین برابر بیش از حکومت‌های قبلی است. از نخستین سال‌های به روی کار آمدن این رژیم، شاهد قوانین سفت و سخت برای اجرای روزه‌داری و مقابله با روزه‌خواری بوده‌ایم. بسیاری از ما خود، مجازات‌های روزه‌خواری را از نزدیک دیده یا از نزدیکان شنیده‌ایم. از کندن قبر و خالی کردن بشکه آب با قاشق چای‌خوری تا شلاق و حبس! اعمال ضد انسانی و دور از تمدنی که موجب شد تا سال‌ها مردم از این ماه بهراسند و تنها عده محدودی که دست نشانندگان و عوامل حکومت بودند منتظر فرارسیدن این ماه باشند تا از فرصت سوءاستفاده کرده و شهروندان را آزار دهند! گزارش روزه‌خواری را می‌شد با یک کارت بسیج یا حتی بدون آن هم داد! فقط یک تماس با پلیس، اطلاعات یا بسیج کافی بود تا پرونده‌ای برای یک نفر ساخت! امسال اما اوضاع این‌گونه نبود! در اقصی‌نقاط کشور، از شهرهای کوچک گرفته تا شلوغ‌ترین مرکزها، شاهد خوردن و نوشیدن آزادانه مردم بودیم. سالیان پیش حتی تمام اغذیه‌فروشی‌ها، رستوران‌ها، کافه‌ها و آنها که به‌نحوی با خوردن و نوشیدن در ارتباط بودند مجبور بودند ساعات بعد از افطار باز کنند یا در بهترین حالت پرده‌ای ضخیم و عریض بر کل مغازه‌شان بزنند و با یک پلاکارد اعلام کنند که "غذا بعد از افطار" یا "صرفاً بیرون بر!" حالا اما اوضاع تغییر کرده. هرچند هنوز هم رد پای این‌گونه پلاکارد نویسی‌ها دیده می‌شود اما هر عابر و بیننده‌ای به‌راحتی متوجه تفاوت امسال با سالیان گذشته می‌شود. حتی موضوع آرایش نکردن و رعایت حجاب هم در این ماه بیش از



تشدید بحران اقتصادی ، خطر جنگ

و تدارک اول ماه مه 1403

کارگران مبارز!

فرا رسیدن اول ماه مه روز تجلی همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان را به شما شاد باش می گوئیم.

اول ماه مه امسال با اوضاع متفاوتی روبرو هستیم ، تشدید بحران اقتصادی و خطر جنگ، طبقه کارگر و زحمتکشان را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است. در عین حال تشدید بحران‌های اقتصادی و روی آوری دول سرمایه‌داری به جنگ و کشتار ماهیت این نظام و ضرورت انقلاب اجتماعی و استقرار سوسیالیسم را آشکارتر ساخته است. و راه حل‌های کارگری و سوسیالیستی نزد افکار عمومی کارگران و زحمتکشان جهان از مقبولیت بیشتری برخوردار شده است.

جنگ میان قدرت‌های سرمایه‌داری جز ویرانی و کشتار نتیجه دیگری که به نفع توده‌های عظیم کار و زحمت باشد، ندارد. در این جنگ‌های ارتجاعی، در حالی که کارگران و محرومان هر دو طرف در جبهه‌های جنگ هم‌دیگر را سلاخی می‌کنند، شرکت‌های تولیدکننده سلاح و مهمات و ملزومات جنگی، صاحبان قدرت و ثروت، دلالان و سفته‌بازان و رانت‌خواران و قاچاقچیان کله‌گنده طرفین منازعه بر ثروت‌های خود می‌افزایند. اول ماه مه امسال ضمن مخالف با جنگ افروزی‌های رژیم و دولت نژاد پرست اسرائیل و سایر قدرت‌های سرمایه‌داری که در پی گسترش جنگ هستند، به اقدامات اعتراضی و انقلابی خود سازمان دهیم. از طریق وسائل ارتباط جمعی آگاهی توده‌های طبقه کارگر و محرومان جامعه را نسبت به علل و نتایج جنگ آگاه سازیم و درک آنها از وضعیت اقتصادی و اجتماعی غیرقابل تحمل ورنج‌های بیشماری که نظام سرمایه بر زندگی آنه اتحمیل کرده است، را ارتقاء دهیم.

کارگران پیشرو و انقلابی!

مبارزات ضد سرمایه داری در حال گسترش در میان متحدین اصلی طبقه کارگراست.

بمنابه بخش آگاه و پیشرو جنبش کارگری، ضمن گسترش دامنه تبلیغ و ترویج سوسیالیسی در میان همکاران خود و حفظ استقلال طبقاتی کارگران، اول ماه مه امسال باشعارمحوری کار- مسکن-آزادی و شعارهای ضد جنگ و کشتار به میدان بیائیم و با طرح مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، زمینه‌های سازمان‌یابی و اتحاد متحدین طبقه کارگر و جنبش‌های اجتماعی را زیر چتر جبهه ای انقلابی با هدف سرنگونی نظام حاکم و استقرار ساختار اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی برشوراها، تقویت کنیم.

زنده با اتحاد جهانی طبقه کارگر

نابود باد نظام سرمایه داری

زنده باد سوسیالیسم

سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست 26 فروردین



1403

کار کمونیستی

نشریه سیاسی و تحلیلی

کارکمونیستی علاوه بر انعکاس

مواضع، نظرات و تحلیل‌های

سازمان، انعکاس دهنده مسائل

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه

های مختلف نیز هست. تحریریه

نشریه از میان مطالب رسیده انتشار

مطالبی را انتخاب و در الویت

قرار خواهد داد که مستقیماً برای

این نشریه ارسال شده باشند لذا

انتظار داریم انعکاس این مطالب

در سایر نشریات و سایت‌ها با ذکر

منبع و نام نویسنده صورت گیرد.

از طریق ایمیل ادرس زیر

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود

را با ما در میان بگذارید .

kar@fedayi.org

تماس با سازمان اتحاد فدائیان

کمونیست

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

تلگرام

<https://t.me/fedayi1349>

اینستاگرام

[@fedayi_communist](https://www.instagram.com/fedayi_communist)

صدای فدائی

[@fedayi.voice](https://www.youtube.com/channel/UC...)